

جایگاه سرمایه گذاری در بخش معادن در قالب اقتصاد مقاومتی و انطباق با قانون اساسی

ابوالحسن حیدری خالص

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه

چکیده

نگاهی سطحی به اصول قانون اساسی مبین این امر است که دولت به تنهایی قادر به انجام تمام سرمایه گذاری ها و مدیریت تمام طرح های اقتصادی نیست و بی شک باید عرصه را برای فعالیت بخش خصوصی و تعاونی فراهم کند و بخش خصوصی در صورتی فعالیت خواهد کرد که انگیزه لازم توسط دولت برای آن ها ایجاد شده باشد. دولت ها با طرح ها و برنامه های اقتصادی متفاوت و خاص کشور خود که بر اساس شرایط زمانی و مکانی در دستور کار خود قرار می دهند به دنبال رشد و ارتقاء سرمایه خود و سرمایه گذاران خودی می باشند. در شرایط کنونی کشور ما و وجود تحریم های ظالمانه که بر علیه کشور وضع می شود و طرح اقتصاد مقاومتی که در راستای بی تاثیر یا کم تاثیر شدن تحریم ها می باشد سرمایه گذاری به خصوص سرمایه گذاری در قسمت صنایع و معادن که نیازمند دانش و فناوری و ماشین الات خارجی می باشد آنهم در کشور که تک محصولی بوده و بر مبنای نفت اداره می شود با مشکلات بزرگی مواجه شده. سرمایه گذاری در بخش صنایع یا معادن باید دارای انگیزه سودآوری باشد تا بخش خصوصی را ترغیب به سرمایه گذاری و پس از آن فعالیت در آن بخش کند. رویکرد اقتصاد مقاومتی که مفهومی کاملاً جدید است، دارای تعریفی ویژه ای است و به این معنا نخواهد بود که منجر به اتخاذ سیاست هایی شود که به عنوان مثال قطع مبادلات اقتصادی با خارج از کشور و بستن درهای کشور به روی دنیای خارج مدنظرش باشد، بلکه دقیقاً عکس این تعریف می باشد منتها شرایط آن باید مهیا شود. سرمایه گذاری در بخش معادن با وجود این رویکرد اقتصادی که ناشی از تحریم ها بوده از یک طرف و تطبیق با اصول اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی به یقین با مشکلاتی از قبیل عدم تخصیص بودجه به سرمایه گذاران، نبود ماشین الات جهت بهره برداری، نبود امکانات لازم و ... مواجه می شود که باید به دنبال راهکار باشیم.

واژه های کلیدی: سرمایه گذاری، معادن، اقتصاد مقاومتی، قانون اساسی، توسعه

۱. مقدمه

بی شک هر جامعه ای از افراد تشکیل شده و افراد هر جامعه ای به حکم انگیزه ای که خداوند متعال درون آنها قرار داده در آبادانی سرزمین خود می کوشند، زیرا رشد و پیشرفت فردای هر جامعه در گرو سرمایه گذاری امروز افراد آن جامعه می باشد. سرمایه گذاری در بخش معادن مانند سایر سرمایه گذاری ها بر چند اصل اساسی استوار است که مهمترین آن ها اصل حداکثر کردن سود شخصی سرمایه گذار و دوم عدم دخالت دولت در سرمایه گذاری است.

عدم دخالت دولت در سرمایه گذاری به عنوان یکی از اصول اساسی که مورد توجه سرمایه گذار است همیشه مورد توجه بوده است، اما باید توجه کرد هر کشوری دارای سیاست های اقتصادی است و بی شک سرمایه گذاری و تجارت در آن کشور باید منطبق و همسو با سیاست های کلی آن کشور و نظام باشد. کشور ما سیاست هایی همچون اقتصاد دولتی-رقابتی، اقتصاد انضباطی، سیاست های انبساطی اقتصادی، انقباضی اقتصادی و هم اکنون هم سیاست اقتصاد مقاومتی را در پیش گرفته است. در این مقاله به دنبال این مساله می باشیم که وجود اقتصاد مقاومتی از یک طرف و سرمایه گذاری در بخش معادن از طرف دیگر آیا هم خوانی با همدیگر و همسوئی با قانون اساسی و اصول این قانون دارد یا خیر؟

۲. سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی در ایران و اسلام

رشد و پیشرفت هر جامعه وابستگی مستقیم با وضعیت سرمایه گذاری یا عدم سرمایه گذاری در آن کشور دارد علی رغم اینکه تعریف مشخصی از توسعه اقتصادی در جامعه امروزی صورت نگرفته است اما می توان گفت منظور از توسعه اقتصادی ایجاد یک وضعیت مطلوب برای زندگی می باشد. دین اسلام معتقد است برای رشد و توسعه اقتصادی وجود لوازم و مقدماتی ضروری است که از جمله آنها کار و فعالیت اعضای خانواده به خصوص پدر برای رفع نیاز های ضروری خود و خانواده و در درجه بعد رفع نیازهای ثانویه و در درجه بعدتر تلاش و فعالیت برای کسب سرمایه بیشتر و تبدیل آنها به خانه و... طبق عرف آن جامعه می باشد. پس نیاز اقتصادی در روایات اسلامی به غذا و لباس ختم نمی شود بلکه لباس طبق عرف و داشتن مال برای صله رحم، پرداخت صدقه، اقدام به حج و عمره و زیارت قبور ائمه، ساختن بناهای خیریه و سرمایه ای برای تجارت یا زمین برای زراعت و ... همگی جزء نیازهای اقتصادی شخص محسوب می شود که تلاش برای کسب مال در این حد مورد تشویق قرار گرفته است (اورعی، ۱۳۷۳).

کشور ما ده ها سال می باشد که اقتصاد خود را با نفت و صادرات آن می چرخاند و این امر می تواند یک ضعف بزرگی باشد و باید توجه کرد سرمایه گذاری در بخش های مولد اقتصادی به رشد ملی و خود اتکایی بیشتر اقتصادی کمک می کند و یگانه طریق رهایی از وابستگی به نفت است. نگاهی سطحی به اصول قانون اساسی مبین این امر است که دولت به تنهایی قادر به انجام تمام سرمایه گذاری ها و رهبری و مدیریت تمام طرح های اقتصادی نیست و بی شک باید عرصه را برای فعالیت بخش خصوصی فراهم کند و بخش خصوصی در صورتی فعالیت خواهد کرد که انگیزه لازم توسط دولت برای آن ها ایجاد شده باشد به عنوان مثال فعالیت در بخش صنایع یا معادن برای ایجاد ارزش افزوده بیشتر در اقتصاد هر کشوری، مانند موارد فوق که اشاره شد انگیزه سودآوری داشته باشد تا بخش خصوصی را ترغیب به سرمایه گذاری و پس از آن فعالیت در آن بخش کند.

اینکه سرمایه دار در ابتدای امر به دنبال حمایت های قانونی است تا بتواند سرمایه خود را در قبال مخاطرات سیاسی مانند آشوب، شورش، اعتراضات و... و مخاطرات اقتصادی و اجتماعی تضمین کند بر کسی پوشیده نیست و خود دولت نیز به خوبی آگاه بر این قضیه می باشد. وجود تضمین هایی که دولت به سرمایه گذار می دهد از طرفی دیگر تضمین هایی که شرکت های بیمه امروزی به سرمایه گذاری می دهد می تواند سببی باشد برای ترغیب سرمایه گذاری در بخش صنایع و یا معادن، نتیجه اینکه سرمایه در مسیرهایی به حرکت در می آید که اصل و سود آن تضمین شود پس وجود چترهای حمایتی قانونی لازم و ضروری برای حفظ سرمایه و سود است.

۳. ساختار اقتصادی کشور براساس قانون اساسی

تولید ثروت ملی در حوزه معادن فقط با اکتشاف معادن تازه و تکمیل پروژه‌های قبلی و بهره برداری و مدیریت فروش مناسبی که پس از بازار یابی محقق می شود امکان پذیر است. بنابراین نقش و جایگاه متولی امور معادن در توسعه اقتصادی کشور بسیار اثرگذار است. سیاست های اقتصادی هر کشور مانند سیاست اقتصاد مقاومتی کنونی کشور ما براساس شرایط و موقعیت جغرافیایی و سیاسی و مزیت های بالفعل و بالقوه همان کشور تدوین می شود. میزان ذخایر معدنی شناخته شده کشور در زمان کنونی به یقین بسیار زیاد می باشد این در حالی است که بخش عمده ای از مناطق مستعد و آینده دار معدنی در کشور ما با توجه به ساختار زمین شناسی کشور و با توجه به عدم شناخت واقعی ذخایر و اطلاعات و نداشتن امکانات کافی در انجام عملیات اکتشاف، هنوز از دسترسی مطالعات و عملیات اکتشافی مهندسی صورت نگرفته است.

یکی از مسائل مهمی که بر ساختار تصمیم گیری تاثیر می گذارد اهداف مورد نظر در بعد اقتصادی است که دخالت یا عدم دخالت گسترده دولت را تجویز می کند، از آن جا که دولت در هر کشور دارای وظایف گسترده ای می باشد ورود مستقیم دولت در برخی موارد ضروری به نظر می رسد. سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی است، که فعالیت های مهم و تاثیر گذار اقتصاد کشور هم چون صنایع بزرگ، صنایع مادر معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آب رسانی، رادیو و رسانه و... در شمار فعالیت های بخش دولتی قرار گرفته اند که برای دولت بسیار سنگین است. اما به مرور پس از چندسال از وقوع انقلاب دولت به بخش خصوصی اهمیت بیشتری داده و برخی از موارد فوق را قائل به تخصیص شده و به بخش خصوصی واگذار کرده است و یا اگر بخش خصوصی اکنون بخواهد برخی از آن ها را تحویل بگیرد پس از طی مراحل این کار صورت خواهد گرفت و این واقعیت در راستای اجرای اصل ۴۳ قانون اساسی می باشد که نمی خواهد دولت به عنوان کار فرمای بزرگ اعمال نفوذ کند و تایید آن در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده که قائل به خصوصی سازی و فعالیت اشخاص در برخی زمینه ها است در راستای لاغر کردن دولت و صرفا مدیریت کردن دولت و اعمال نفوذ بر بخش خصوصی صرفا تا حدی که منافع نظام و کشور ایجاب کند. همان گونه که در ذیل اصل ۴۴ فعالیت بخش های گوناگون اقتصاد کشور به ایجاد رشد و توسعه اقتصاد کشور و عدم زیان جامعه مشروط شده است بدین معنا که قانون گذاران و مجریان اداره کشور می توانند از فعالیت واحدهایی که به جامعه زیان می رسانند جلوگیری کنند و از آن جا که در اصل ۴۵ به حکومت اسلامی و حاکم اختیار انفال طبق مصالح عمومی داده شده این موضوع می تواند به سود هر یک از بخش های اقتصادی کشور (تعاونی و خصوصی) باشد و رقابت میان سه بخش اقتصاد کشور و رقابت درون بخش ها را تصحیح کند و در مسیر مورد نظر قرار دهد.

۴. سرمایه گذاری در بخش معادن

از مهمترین و اصلی ترین پایه های اقتصاد هر کشوری منابع معدنی و ذخایر زیرزمینی آن کشور است. نقش معادن و منابع در رشد اقتصادی هر کشوری به خصوص کشور ما و کشورهای آسیایی انکار ناپذیر است. بدون تردید بهره برداری از معادن کشور، یک عامل کاملا مثبت و مهم در رشد و توسعه اقتصادی است و برای رسیدن به توسعه اقتصادی، بهره برداری از معادن کشور می تواند یکی از بهترین راه ها باشد. بخش معدن در بازار جهانی نقش بسیار پررنگی دارد. رقابت تنگاتنگ در بازار بین المللی و وجود ریسک بالا در عملیات معدنی، موجب شده است تا سرمایه گذاران و اقتصاد دانان و سیاسیون به دنبال بهترین راهها بگردند. درباره جایگاه بخش معدن در اقتصاد ایران باید قبول داشت که جایگاه این بخش هنوز آنچنان که لازم است، تبیین نشده است.

سرمایه گذاری در بخش معدن در چند بخش اساسی باید صورت گیرد که مهمترین این بخش ها تحقیقات زمین شناسی، کشف مواد معدنی و زیر زمینی و تجهیز کارگاه است تا بتوان از ذخایر معدنی ارزشمند کشور به نفع اشتغال، صادرات، تورم و... بهره برد. در هریک از مراحل فوق چنانچه سرمایه گذاری لازم توسط سرمایه گذار تامین نشود یا به بیان دیگر تامین اعتبار نشود کار به درستی پیش نخواهد رفت و در هر مرحله با توقف مواجه خواهد شد و نباید به کارایی مستمر آن امید داشت. در کشور ما کشف تمام معادن به جز نفت و مواد رادیو اکتیو قابل واگذاری به بخش خصوصی است،

هرچند در برخی از کشورها کار اکتشاف به شرکت‌ها و موسسات زمین‌شناسی واگذار می‌شود ولی در ایران کشف مواد معدنی برعهده کاشف و معدن‌دار خواهد بود و از آن‌جا که منافع سرمایه‌گذار در این بخش زیاد است سرمایه‌گذاران علاقه مند به کار شبانه‌روزی می‌باشند، هرچند که فقط اصل سرمایه‌گذاران تضمین می‌شود و بازگشت سرمایه نیز در این زمینه مدت‌ها زمان می‌برد. ارزش افزوده اکتشاف به صورت حقوق دولتی یا حق دولت در واگذاری معادن به افراد حقیقی و حقوقی متعلق به دولت حاکم است و سرمایه‌گذار در دوره‌ای که بهره‌برداری طبق مصوبه دولت به کاشف واگذار می‌شود به صورت جزئی و با تکیه به نیروی کار خود، سرمایه‌گذاری می‌کند لیکن سرمایه‌گذاری انبوه همیشه خاص دولت بوده است. همچنین باید توجه داشت سرمایه‌ای که صرف آماده کردن معدن می‌شود مانند حفر تونل، جاده، آسفالت و... قابل انتقال نیست، این بخش از سرمایه‌گذاری در واقع سرمایه ملی تلقی می‌شود و واقعا هزینه‌های زیادی بر سرمایه‌گذار متحمل خواهد کرد. پس می‌طلبید که بخش عمومی با این همه سرمایه خود به امر احداث جاده، تونل و... بپردازد زیرا ملک خود او حساب می‌آید، زیرا در غیر این صورت سرمایه‌گذار عمده‌ای از سرمایه خود را باید صرف این امورات کرده و در بخش اصلی با کمبود منابع مالی مواجه خواهد شد، دولت بهتر است برای وی تامین اعتبار کرده تا از این طریق انگیزه‌ای که ابتدای کار صحبت از آن شد فراهم شود.

امروزه با وجود رشد و پیشرفت کافی و روزافزون در عرصه زمین‌شناسی و معدن، معدن‌کاری و فعالیت معدنی یافتن گنج و بر اساس شانس و اقبال نمی‌باشد بلکه قطعی و یقینی است بلکه نیازمند برنامه‌ریزی‌های دقیق، اجرای دقیق و سرمایه کافی می‌باشد و مرحله بعد که در بخش معدن بسیار مهم است بحث بازاریابی مواد معدنی استخراج شده می‌باشد، زیرا مشتریان این گونه محصولات گاهی منحصر به فرد هستند و نیازمند عرضه در بازار جهانی است و عرضه در بازار جهانی عرضه‌کننده قدرت کافی برای تعیین قیمت ندارد و نوسان قیمت اختیار و اراده عرضه‌کننده را تحت نفوذ قرار خواهد داد و مستلزم دست‌های ارتباطی در آن طرف مرزها می‌باشد که معتمد باشند و خود وارد کار شود و بازاریابی را خود در دست بگیرد.

۵. توسعه اقتصادی و برنامه‌های دولت

رشد صادرات مواد معدنی غیر نفتی بی‌شک موثر در صادرات نفتی خواهد بود و باید توجه کرد انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در این بخش باید متناسب با هدف صادرات تقویت شود و ضروری است با اتخاذ راهبردهای مناسب سرمایه‌گذاری جهت تولید مواد معدنی قابل صدور بیشتر مورد تشویق قرار گیرد و دولت در این زمینه توجه بیشتری به بهره‌برداران نشان دهد و همچنین مواردی دیگر وجود دارد که باعث افزایش کارایی سرمایه‌گذاران در بخش معادن می‌شود، مانند برخورداری صادرکنندگان مواد معدنی از تمامی ارزش حاصل از صادرات این مواد که سبب می‌شود تجهیز کارگاه و شروع به کار با بهره‌گیری از بهترین دانش‌های روز و بهترین دستگاه‌ها و ماشین‌آلات روز میسر گردد و بهره‌برداری از معدن به صورت بهینه‌تر و با کارایی بالا صورت گیرد. همچنین ارائه تسهیلات بانکی با حداقل سود و حداکثر تنفس در بازپرداخت‌ها متناسب با نیازهای بهره‌وران از معادن لازم است که این امر در سال‌های اخیر در بخش معادن با مشکلاتی مواجه شد که بعضا توسعه و رشد روزافزون معادن و اکتشافات آن‌ها را با وقفه اساسی مواجه کرده به گونه‌ای که برخی از سرمایه‌گذاران که در اکثریت هم بودند اقدام به واگذاری و فروش زیر قیمت کرده‌اند که واقعا سزاوار نیست.

امروزه بر نقش دولت در توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه اذعان می‌شود این توجه به ویژه با در نظر گرفتن نقش کلیدی دولت در توسعه کشورهای جنوب شرقی آسیا بارز می‌شود (یوسفی، ۱۳۷۸). به عبارت دیگر با توجه به فقدان یا ضعف یک طبقه بورژوازی نیرومند در کشورهای جهان سوم به ناچار بایستی به دنبال یک بازیگر فعال بود که دارای نیرو و توان کافی برای به حرکت درآوردن قطار توسعه اقتصادی در این کشور باشد، دولت می‌تواند با توجه به فقدان بورژوازی ملی به ایفای این نقش بپردازد. نمونه برخی دولت‌های تازه توسعه یافته و نقش دولت در توسعه آنها نیز موید این ادعاست (هزاوه‌ئی، ۱۳۹۳). پیشرفت دانش بشری موجب شناخت بهتر از ارتباط درونی پدیده‌های اقتصادی اجتماعی و فرایند سیاسی گردید که در نهایت

موجب استفاده از رویکردی به نام اقتصاد سیاسی شد. بنابراین اقتصاد سیاسی را می توان نگرشی چند پایه به اقتصاد و مسائل آن داشت (سیف، ۱۳۷۶). به بیان دیگر اقتصاد سیاسی ناشی از روابط میان قدرت، نیروهای جهانی و سرمایه داری جهان است. رویکرد دیگر که مورد بحث و صحبت قرار می گیرد و رویکردی جدید می باشد رویکرد اقتصاد مقاومتی است که مفهومی کاملاً جدید است، احتمالاً این گونه به ذهن متبادر شود که این نوع از اقتصاد، تعریفی ویژه دارد که منجر به اتخاذ سیاست هایی شود که به عنوان مثال قطع مبادلات اقتصادی با خارج از کشور و بستن درهای کشور به روی دنیای خارج مدنظرش باشد. اما خواهیم دید که نه تنها این تلقی از مفهوم اقتصاد مقاومتی نادرست است بلکه این مفهوم به اتخاذ سیاست های توافقی و آگاهانه در جنگ اقتصادی با دشمن اشاره دارد (هزاوه ئی، ۱۳۹۳). در شرایط تحریمی و فشار هر مجموعه و نظامی به ناچار بایستی یک بسته سیاسی برای برون رفت از چنین شرایطی و تبدیل تهدید پیش آمده به فرصتی برای تحول ساختاری خود تعریف کند، زیرا همچنان که نشان خواهیم داد تحول ساختاری در اقتصاد سیاسی رانتیر با اتخاذ یک سیاست تک وجهی ممکن نخواهد بود و با توضیح بیشتر الزامات اقتصاد مقاومتی در ادامه ملاحظه خواهیم کرد که در حقیقت، اقتصاد مقاومتی یک بسته از سیاست های اقتصادی برای مدیریت اقتصادی و سیاسی کشور در زمان مواجهه با فشار و تحریم است. این اصطلاح اولین بار توسط رهبر انقلاب اسلامی به کار برده شد. ایشان در ضمن بیانات خود اقتصادی مقاومتی را اینگونه تعریف کرده است:

اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خبثت دشمن، اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می دهد و اجازه می دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند، اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیریش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمن و دشمنان که همیشگی و به شکل های مختلف خواهد بود کمتر آسیب ببینند و اختلال پیدا کنند (دفتر حفظ و نشر آثار، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی خود به تنهایی یک برنامه منسجم و همه جانبه با ویژگی هایی که به آن ها اشاره رفت و در ادامه بیشتر توضیح می دهیم برای رهایی کامل از وابستگی دولت جمهوری اسلامی ایران به نفت قابل اتخاذ است.

عدم اتکاء به نفت یعنی اتکاء به مالیات، صنعت، معدن، سرمایه گذاری خارجی و... و این ها محقق نخواهند شد تا زمانی که مدیران دولتی اراده و عزم آهنین در راستای این موارد داشته باشند. در این فضا اقتصاد مقاومتی طراحی و مدل سازی ویژه ای از شرایط و ساز و کارهای اقتصادی است که مبتنی بر آن، فضای اقتصادی کشور بر اساس فرض وجود حداکثر تحریم ها و فشارها به صورت فعال نه منفعل، طراحی می شود. در واقع اقتصاد مقاومتی بنیانی نظری و عملی برای مدل سازی گونه ویژه ای از اقتصاد است که فعلاً خود را برای مواجهه با تحریم ها پیش آماده ساخته است. مکانیسم های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه ای و... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش فرض طراحی می شوند که در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد آید. در چنین فضائی، تحریم های اقتصادی نه تهدید بلکه فرصت ویژه ای هستند که زیر فشار آن ها می توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده سازی آن ها را تسریع کرد. در این رویکرد کسب ثروت و درآمد ملی از مسیرهایی دنبال می شود که قدرت چانه زنی کشور در فضای سیاسی بین المللی را تقویت می کند، نه آنکه کشور ناگزیر باشد به دلیل مسائل اقتصادی از اهداف ایدئولوژیک خود در فضای سیاسی دست بکشد (پیغامی، ۱۳۹۰).

۶. نتیجه گیری

در شرایط کنونی اقتصاد کشور و تحریم های گسترده اقتصادی و سیاست های اقتصادی درون کشورمان از جمله اقتصاد مقاومتی باید همه اینها رابه دید یک فرصت نگاه کرد و آن را یکی از مهمترین مزیت های ایران برای گذر از این بحران تلقی کرد، و با تکیه بر منابع معدنی و پتانسیل های بالقوه ای که در داخل کشور است با خلق مزیت رقابتی، تهدیدها به فرصت هایی تبدیل شوند که مسیر کشور را در راه رشد و پیشرفت قرار دهد. بخش معدن در دوران بحران اقتصادی جهانی، نشان داده است

که کمترین آسیب‌پذیری در سیکل‌های تجاری را داشته و بیشترین کمک را به اقتصاد کرده است. در شرایط اقتصاد مقاومتی نیز معدن از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌شود و این موارد ایجاد می‌کند دولت و مجلس نگاه ویژه‌ای به این بخش مهم داشته باشند. در بخش نظارتی نیز پیگیری استراتژی بخش معدن برای ارائه به مجلس، باید به طور جدی از سوی نمایندگان مجلس پیگیری شود تا در اولین زمان نقشه راه بخش معدن به تصویب مجلس محترم برسد و بهره‌وری سرمایه و نیروی کار در این بخش افزایش یافته تا از این طریق تورم، بیکاری، رکود و سایر معضلات اقتصادی کنترل شوند.

در ایران بنا بر دلایلی که توضیح داده شد اکثر معادن بزرگ و از جمله معادن زغال سنگ توسط دولت اداره می‌شوند. شاید بتوان با تغییر سیستم مدیریت معادن و واگذاری کار به بخش خصوصی در کوتاه مدت وضعیت اقتصادی بسیاری از معادن را اصلاح کرد. اینکه معادن اقتصادی می‌باشند بر کسی پوشیده نیست اما برای اقتصادی کردن بیشتر معادن که نتیجه آن نایل شدن به وضعیت مطلوب اقتصادی برای کشور است توجه خاص دولت و بانک‌ها به معادن و معدنکاری و حمایت‌های مختلف از جمله تخصیص اعتبار، اعطای امتیازات مختلف، تأمین ماشین‌آلات جدید و ... تغییر ساختار آنها جهت افزایش بهره‌وری و بهبود کمیت و کیفیت کار امری ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

۱. پیغامی، عادل. (۱۳۹۰). مقاومت اقتصادی یا اقتصاد مقاومتی، نشانه الکترونیکی <http://farsi.khamenei.ir>
۲. حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۷۸). رانت دولت رانتیر و رانتیریسیم: یک بررسی مفهومی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، بهمن و اسفند شماره ۱۲۵-۱۲۶.
۳. سیف، احمد. (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی، تهران، انتشارات نی.
۴. صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۳۷۳). ادیان، مذاهب و عرفان، معرفت، تابستان، شماره ۹ از ۴۱ تا ۴۸.
۵. منابع اینترنتی، دفتر حفظ و نشر آثار. (۱۳۹۱). کلید واژه اقتصاد مقاومتی و حمایت از سرمایه ایرانی آدرس الکترونیکی <http://Khamenei.ir>
۶. هزاوئی مرتضی، زیرکی حیدری، علی. (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی، نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۷.
۷. ویلکن، پتیر. (۱۳۸۱). اقتصاد سیاسی ارتباطات جهانی و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.